

# فراخوان نهضت آینده افغانستان

## برای شرکت در سیمینار

### « وحدت نیرو های چپ افغانی »

اکتبر ۲۰۰۷

رفقا و دوستان عزیز،

همگامان پیگیر راه آرمانهای مردم رنجکشیده افغانستان،

شما به یقین واقفید که با فروپاشی حزب - دولت دموکراتیک افغانستان ، جنبش چپ و مترقی نی تنها شکست خورد، بل ، به حیث نیروی سیاسی مضمحل گردید و از وضعیت سیاسی کشور برون رفت. انارشی اول مجاهدین (با پیامد های تراژیک آن)، الیگارش طالبی و سپس انارشی دوم مجاهدین (در چهره کمیک امروزی آن به مثابه یک تکرار فاجعه انگیز تاریخ ) امکانهایی بودند که در وضعیت سیاسی وجود داشتند. این تناوب حاکمیت در درون ارتجاع قرون وسطایی از نیرومندی آن نی ، بل، از آن ناشی شد که وضعیت سیاسی فاقد نیروی الترناتیف دموکراتیک و مترقی بود. تا زمانیکه این نیرو تبارز نکند، مواضع هژمونیک ارتجاع بر هم نخواهد خورد و بسته به آن ، وضع رقتبار زنده گی میلیونها انسان زحمتکش جامعه افغانی و همراه با آن وابسته گی کشور به نیرو های بیگانه تداوم خواهند یافت. وضع اقتصادی - اجتماعی افغانستان که در اثر مداخلات خارجی ، سیاستهای استیلاگرانه امپریالیزم و تداوم جنگ ویرانگر روز تا روز وخامت کسب میکند ، مجاری سیاسی ، به ویژه یک سازمان نیرومند دموکراتیک و مردمی را برای بروز خویش در اختیار ندارد. اگر چنین مجرای سیاسی در اختیار توده های مردم قرار میداشت ، تداوم حاکمیت ارتجاع جداً زیر سوال میرفت.

«اتحاد بازیهای» اخیر در داخل نیرو های حاکم ارتجاع بر اساس تفاوتهای فرعی و ثانوی درونی چون تعلقات تباری، سمتی ، زبانی و غیره و وابسته گیهای بیرونی

(منافع استراتژییک پاکستان، روسیه و ایران) شکل گرفته اند و خود روند ساختمان دولت متمرکز را گند میسازند. استقرار یک دولت متمرکز، فراملیتی، نیرومند و مدافع تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان مبتنی بر منافع کشور، با منافع «ارتجاع لایه شده افغانی» و برنامه های استراتژییک سه همسایه نامبرده افغانستان سازگار نیست.

### **تکوین دولت واقعاً دموکراتیک در افغانستان مستلزم پدیداری یک نیروی سیاسی**

**واحد، یکپارچه، چند ملیتی و دموکراتیک است که ممثل منافع اکثریت مردم باشد.**

چنین نیرویی باید در بیرون از «شبكة پراگنده قدرت امروزی» (شبكة قدرت جهادیان و اپوزیسیون فعال طالبی وابسته به اردوی پاکستان) تدوین یابد. تاریخ وظیفه ایجاد این نیرو را بردوش مبارزان چپ، دموکرات و مترقی انداخته است. هسته پویا و محرک این نیروی سیاسی باید در شکل یک سازمان بزرگ سیاسی عرض اندام کند که با برهم زدن تناسب قواء به سود ترقی و دموکراسی واقعی، مستقیماً به دولت دموکراتیک بینجامد! چپ دموکراتیک وظیفه ساده احراز قدرت سیاسی را در یک مسابقه دموکراتیک سیاسی با ارتجاع حاکم به عهده ندارد، چون کدام قدرت واحد و متمرکز دولتی در افغانستان وجود ندارد که بتوان دست به دست گشتن آنرا با مفهوم «تناوب حاکمیت سیاسی» ارایه کرد. در وضعیت کنونی جامعه افغانی، چپ دموکراتیک وظیفه تمرکز دادن قدرت سیاسی را در وجود یک دولت دموکراتیک نیز به عهده خواهد داشت. این تمرکز دادن به معنای مستقر ساختن یک نظام جدید دموکراتیک همراه با دولت جدید، قانون اساسی جدید، نهاد های جدید حاکمیت و غیره خواهد بود.

**از دیدگاه نهضت آینده افغانستان، نیروی الترناتیف چپ باید استقلال کامل خود را**

**در تمام عرصه های زنده گی اجتماعی نسبت به ارتجاع حاکم قرون وسطایی تبارز**

**داده، مواضع جدید مستقل خود را به طور پیگیر تحکیم بخشد. انکشاف مستقل چپ**

**دموکراتیک، همزمان، تجرید ارتجاع و وابسته گان آنرا سریع میسازد. به نظر ما**

**وظیفه تاریخی چپ افغانیست تا پس از تجارب تلخ حاکمیت قرون وسطایی در**

**افغانستان، ماهیت قهقرایی و ستمگرانه آنرا در سطح ملی و بین المللی افشاء نماید**

و آنرا به سوی تجرید ، به ویژه در سطح بین المللی ، بکشاند. در سطح ملی مردم افغانستان در پراتیک زنده گی روزمره شان سرشت ظالمانه حاکمیت ارتجاع قرون وسطایی را دریافته اند.

**در چنین موقعیتی که باید بر استقلال سیاسی - سازمانی - اندیشه یی چپ تأکید شود و تجرید ارتجاع مطرح گردد ، عنوان کردن هر گونه اتحاد با ارتجاع در واقعیت امر شرکت کردن در روند معکوس وظایف چپ افغانی است. پس هر گونه معامله گری با ارتجاع حاکم و کشور های همسایه که جز به منافع خود به چیز دیگری نمی اندیشند ، ضربه زدن به استقلال چپ دموکراتیک بوده ، روند تبارز مستقلانه آنرا در وضعیت سیاسی کشور کند ساخته و عمر سیادت ارتجاع را دراز تر میسازد.**

نهضت آینده افغانستان حفظ و تحکیم استقلال جنبش دموکراتیک را نی به حیث یک شعار، بل ، به حیث یک **ناگزیری تاریخی** که ناشی از ساختار وضعیت کنونی سیاسی کشور است، مطرح میکنند. در شرایط هژمونی ارتجاع ، تکیه بر استقلال جنبش چپ جزئی از شرایط به پیروزی رساندن الترناتیف دموکراتیک است.

**رفقا،**

**شما بهتر میدانید که چپ افغانی در وجود یک سازمان بزرگ و موثر در وضعیت سیاسی کشور حضور ندارد. اتحاد نیرو های چپ ، آنهم برای برهم زدن سیادت ارتجاع قرون وسطایی در افغانستان و ایجاد یک دولت دموکراتیک، شعاریست که پس از حضور یابی این نیرو ها در وضعیت سیاسی میتواند مطرح شود ، ولی در شرایط امروزی کاملاً میانتهی و فاقد محمول سیاسی است. نخست از همه باید چپ دموکراتیک به حیث یک نیروی واحد و مستقل در وجود یک سازمان سیاسی در وضعیت حضور یابد. بدینگونه مسأله اتحاد ها ، ائتلاف ها و دیگر اشکال «همسان سازی مؤقتی و گذرای مواضع» پس از حضور یابی سازمان بزرگ چپ دموکراتیک در وضعیت سیاسی قابل مطرح شدن است.**

مسأله اساسی و سرنوشت سازی که در برابر سازمانها ، حلقات و افراد متعلق به جنبش چپ دموکراتیک قرار دارد این است: چه باید کرد تا یک سازمان نیرومند سیاسی چپ دموکراتیک را که ممثل خواستهای زحمتکشان افغانستان باشد ، متشکل ساخت و با قوت تمام وارد وضعیت سیاسی کشور شد؟

رفقای گرانقدر،

ما بر آنیم که در گام نخست باید آن شمار از سازمانها ، حلقات و شخصیتهای مستقل در یک سازمان واحد و یکپارچه با هم متشکل شوند که از نگاه اصول بنیادی سیاسی و آرمانها و اهداف دورنمایی همسو و همگرایند و هیچگاهی در تبانی با ارتجاع علیه منافع خلق و ارزشهای دموکراتیک قرار نداشته اند.

ما به شما پیشنهاد میکنیم تا جهت راه اندازی یک تبادل نظر در مورد « وحدت چپ افغانی» در سیمیناری که از سوی شماری از سازمانها و شخصیتها عنقریب دایر میگردد ، فعالانه سهم بگیرید . به هر اندازه یی که شمار شرکت کننده گان در کار سیمینار بیشتر باشد به همان اندازه پیامدهای آن در جهت همسو سازی نیروهای مترقی و دموکراتیک برای ایجاد یک سازمان واحد چپ گرانبها تر خواهند بود.

ما یقین کامل داریم که راه اندازی این حرکت بزرگ تاریخی در جهت « ایجاد یک سازمان نیرومند مردمی افغانی» به حیث یک اقدام شجاعانه در برگهای تاریخ جنبش دموکراتیک کشور ثبت خواهد شد.

دستهای تان را صمیمانه میفشاریم

هیئت اجراییه شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان

اکتبر ۲۰۰۷

تماس با کمیسیون برگزاری سیمینار

ایمیل : [ayenda\\_org@yahoo.com](mailto:ayenda_org@yahoo.com)